

■ عوامل مؤثر در تجارت خارجی خراسان در عصر پهلوی اول

نصرالله پورمحمدی املشی | زهرا نادی

■ چکیده

هدف: پژوهش حاضر، به تبیین تجارت خارجی خراسان در دوره پهلوی اول پرداخته است. بررسی وضعیت صادرات و واردات خراسان و تحلیل شکوائیه های ارسالی تجار به مجلس شورای ملی و نیز واکاوی عوامل مؤثر در تجارت خارجی خراسان هدف این پژوهش است. روش / رویکرد پژوهش: این مقاله با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای ملی و با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

یافته های پژوهش: نویسندگان مقاله، بعد از بررسی اسناد به این نتیجه رسیده اند که مجموع های از عوامل داخلی و خارجی بر تجارت خارجی خراسان تأثیر گذاشته که در برخی مواقع واکنش و اعتراض تجار خراسانی را نیز در پی داشته است. از جمله عوامل مؤثر می توان به فقدان راه های ارتباطی مناسب، اخذ مالیات غیرقانونی، مصوبات اقتصادی مجلس، مناسبات سیاسی ایران با سایر کشورها، سیاست های اقتصادی دولت ها، عملکرد تجار، تجارتخانه ها و کارگزاران کشورهای خارجی، فعالیت گمرک های مرزی، و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اشاره نمود.

کلیدواژه ها

خراسان، تجارت خارجی، تجار، پهلوی اول، مناسبات خارجی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و پنجم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۴)، ۴۶-۳۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۸ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۸

عوامل مؤثر در تجارت خارجی خراسان در عصر پهلوی اول

نصرالله پورمحمدی املشی^۱ | زهرانادی^۲

مقدمه

با روی کار آمدن حکومت پهلوی و سیاست‌های اقتصادی رضاشاه، عملکرد مجلس شورای ملی نسبت به گذشته تغییر کرد. اجرای طرح‌های زیربنایی و صنعتی به تجار و سرمایه‌گذاران کوچک یاری رساند و کاهش هزینه‌های حمل و نقل، افزایش تقاضای داخلی، و کاهش تراز پرداخت‌ها بهبودی اقتصادی ایجاد کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶). از سوی دیگر، تصویب لایحه‌های اقتصادی در حمایت از تجار، تجارت داخلی و خارجی ایران را نسبت به گذشته متحول کرد و بازرگانان شهرهای مختلف با تشکیل اتاق‌های تجارت به بهبود شرایط بازرگانی کمک کردند.

تجار خراسانی نیز با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و قابلیت‌های کشاورزی و اقتصادی منطقه خود، نقش بسزایی در تجارت خارجی و رونق اقتصادی ایران ایفا کردند. در این پژوهش، با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی تجارت خارجی خراسان در دوره پهلوی اول پرداخته و تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که چه عواملی در تجارت خارجی خراسان تأثیر داشته است.

در بحث پیشینه پژوهش باید به کتاب از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران: پیدایش و تحول اتاق ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی (۱۳۷۵-۱۳۶۳ خورشیدی)، از سهیلا ترابی فارسانی اشاره کرد. این اثر، اطلاعات مفیدی از مباحث اتاق تجارت شهر مشهد، قوچان، و

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

Poor_amlashi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از

اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

قزوین (نویسنده مسئول).

Nadi.zahra90@gmail.com



سبزووار ارائه می‌دهد و در آن به وضعیت تجار خراسانی اشاره شده است. همچنین، می‌توان از کتاب دیگر سهیلا ترابی فارسانی با نام *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*، و آثار دیگر مانند *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، از جان فوران یاد کرد. این کتاب‌ها، مطالب ارزنده‌ای را در زمینه تجارت خارجی و اقتصاد ایران بازگو می‌کنند، اما اشاره‌ای به تجارت خراسان در دوره پهلوی ندارند. لذا نگارندگان ضمن بهره‌گیری از این منابع و با تکیه بر منتخبی از اسناد آرشیوی به بررسی تجارت خارجی خراسان پرداخته‌اند.

موقعیت جغرافیایی - اقتصادی خراسان

خراسان در قدیم به سرزمین وسیعی در شرق فلات ایران اطلاق می‌شد که از شرق و غرب میان هند و کویر لوت و از شمال و جنوب میان آمودریا (جیحون) و هندوکش قرار داشت. «خراسان بزرگ شامل چهار ربع (نیشابور، مرو، هرات، بلخ) بود» (لسترنج، ۱۳۷۳، ص ۴۰۸). در دوره مشروطه، نخستین قانون تقسیمات کشوری با عنوان «قانون ایالات و ولایات» به تصویب رسید. براساس این قانون، کشور به ۴ ایالت و ۱۲ ولایت تقسیم شد که ایالت خراسان و سیستان یکی از چهار ایالت بود. در اوایل سلطنت پهلوی اول، قانون تقسیمات کشوری تغییر کرد و براساس آن کشور به ۶ استان با عنوان جهات جغرافیایی تقسیم و منطقه خراسان شامل شهرستان‌های مشهد، قوچان، سبزووار، تربت حیدریه، قائنات، فردوس، بجنورد، و شاهرود گردید. در آبان ۱۳۱۶، تغییراتی در تقسیمات کشوری پدید آمد. در این دوره، کشور به ۱۰ استان، براساس اعداد یکم تا دهم تقسیم شد. استان نهم محدوده منطقه خراسان کنونی را در بر می‌گرفت که از هفت شهرستان سبزووار، بیرجند، تربت حیدریه، مشهد، قوچان، بجنورد، و گناباد تشکیل می‌شد (سامی دهات کشور، ۱۳۲۹، ج ۱، صص ۲۷-۳۱). خراسان، در عصر پهلوی اول، از پهناورترین استان‌های ایران بود که در شرق و شمال شرقی کشور قرار داشت. این استان از شرق به افغانستان و از شمال شرقی به ترکمنستان محدود است (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۸۸۷).

اقتصاد و تجارت خراسان از دیرباز به دلیل موقعیت جغرافیایی این منطقه و قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. این مسئله در آثار جغرافی نویسان قرون مختلف آشکار می‌باشد. لسترنج در کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، افزون بر بیان حدود و جغرافیای شهرها، به وضعیت اقتصادی، کشاورزی و رونق تجارت و بازرگانی آن‌ها نیز اشاره کرده است (لسترنج، ۱۳۷۳، صص ۴۱۱-۴۲۲). «خراسان به دلیل قابلیت‌های کشاورزی که شامل تولید دیمی و آبی است» (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)



دارای محصولاتمانند کشمش، مویز، فندق، دانه و میوه‌های روغن‌دار، گیاهان دارویی، روغن حیوانی، پنبه، پشم، گاو و گاو میش، روده، ادویه‌جات، کتیرا، صمغ، میشن، تیماج، پوست بره، پيله ابریشم، پارچه پشمی، و فرش است که کالاهای صادراتی آن را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، این استان واردکننده کالاهایی مانند قند و شکر، دارو و مواد شیمیایی، مصنوعات کاغذی، شیشه و بلورجات، اتومبیل، ماشین‌آلات، لوازم برقی، آهن و فولاد از طریق گمرک‌های مشهد، باجگیران، و لطف آباد می‌باشد (حصائیه تجاری ۱۳۲۰، صص ۴۰۵-۴۰۷).

مناسبات تجاری خراسان

در دوره پهلوی اول، تجارت خارجی، تابع روابط سیاسی ایران با سایر کشورها بود. براساس احصائیه‌های تجاری سال ۱۳۰۴، ایران با کشورهای مختلف از جمله افغانستان، آلمان، عربستان، نروژ، ایتالیا، مصر، بلژیک، اتریش، فرانسه، چین، ژاپن، عمان، ترکیه، و سوئد مناسبات تجاری داشت (حصائیه تجاری ۱ فروردین ۱۳۰۴ تا ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، ص ۹). بیشترین واردات ایران از انگلستان، روسیه، بلژیک، و آلمان بود و بیشترین صادرات را نیز به انگلستان، روسیه، مصر، و آمریکا داشت (حصائیه تجاری ۱ فروردین ۱۳۰۴ تا ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، ص ۱۷). محصولات خام کشاورزی ۵۰ درصد، محصولات خام حیوانی ۲۵ درصد، و کالاهای ساخته شده ۲۵ درصد کل صادرات ایران را تشکیل می‌دادند و خشکبار، پنبه، تریاک، برنج، و فرش مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران بودند (باریر، ۱۳۶۳، ص ۹). روابط تجاری خراسان عصر پهلوی براساس مجموعه اسناد بررسی شده در این پژوهش به روابط تجاری خراسان با کشورهای آسیایی، اروپایی، و آمریکا تقسیم می‌شود.

استان خراسان، به دلیل هم‌مرز بودن با افغانستان، ترکستان و روسیه بیشترین مبادلات تجاری را با این کشورها داشت. طبق اسناد موجود، در سال ۱۳۱۳، تجار خراسانی به افغانستان پيله ابریشم می‌فرستادند (ساکما، ۴۹۶۳-۲۴۰) و در مقابل قالی و پوست از افغانستان و ترکستان خریداری و وارد می‌کردند (ساکما، ۶۵۰۵-۲۴۰).

بیشترین مبادلات تجاری خراسان با کشور روسیه بود. این کشور توانسته بود بازار خراسان را در دست بگیرد. بنا بر گزارش شاهد انگلیسی، در استان وسیع خراسان تمامی دکان‌ها مملو از پارچه‌ها، قند و شکر، چینی‌آلات، و اشیای فلزی روسی است (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۸). «قسمت اعظم صادرات غیرنفتی ایران را محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد» (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸). طبق اسناد و مدارک موجود پنبه (کمام، ۶/۳۴/۱۸/۱/۱۰۰)، کشمش، خشکبار شیروان و قوچان (کمام، ۶/۳۵/۱۸/۲/۱۴۵)، پشم، پوست، خشخاش،



تریاک (کمام، ۶/۳۶/۱۸۳/۲۲۵)، تخم یونجه، و قالی (کمام، ۶/۳۶/۱۸۳/۲۵۰) به روسیه صادر می‌شد. تجار خراسانی نه تنها محصولات منطقه خود را بلکه گاهی محصولات شهرهای شمالی مانند برنج، توتون، و ماهی را خریداری و با کمک اهالی بومی به شهرهای روسیه ارسال می‌کردند (کمام، ۸/۱۷۸/۱۳/۲/۷۸) و در مقابل تخم نوغان از روسیه وارد می‌شد (مجله اتاق تجارت، ۱(۴)، بهمن ۱۳۰۸، ص ۱۸).

«بهترین راه حمل مال‌التجاره ایران به اروپا، روسیه بود» (جمالزاده، ۱۳۸۴، ص ۵۹). از این رو، تجار خراسانی با استفاده از مجوز صدور کالا به روسیه، از این کشور به‌عنوان واسطه استفاده کرده و محصولات خود را به سایر کشورها می‌فرستادند. برای نمونه، تجار چای خراسان با اجازه‌نامه رسمی برای حمل چای سبز به روسیه، مقدار قابل توجهی چای به ترکستان و تاشکند ارسال می‌کردند (مجله هفتگی عصر حدید، ۵۰، تیرماه ۱۳۰۷، ص ۱۷). تجار خراسانی با هند و عراق مبادلات تجاری داشتند. «قالی‌هایی که توسط عشایر خراسان بافته می‌شد به هندوستان صادر می‌گردید»^۱ (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸)، و در قبال این محصولات و پارچه‌های ابریشمی دستبافت، کالاهای مجاز و مورد نیاز وارد می‌کردند (کمام، ۱/۱۲۴/۲۵/۱/۲۳۱). از دیگر محصولات صادراتی خراسان، کندل (صمغی از یک گیاه خودرو در خراسان) بود که خرید و فروش آن در ماه‌های خرداد، تیر، و مرداد صورت می‌گرفت. تجار و اهالی منطقه آن را به زاهدان حمل کرده و از آنجا برای استفاده در قایق‌ها و کشتی‌ها به هندوستان می‌بردند. وجه استفاده کندل در کشتی‌ها به خاصیت چسبندگی آن مربوط می‌شد و از این ویژگی برای پر کردن شکاف کشتی‌ها استفاده می‌شد (ملک‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). از دیگر کشورهای همسایه ایران، عراق، بود که محصولات حیوانی خراسان به آنجا صادر می‌شد (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰).

کشورهای اروپایی و علایق آنها نیز مورد توجه بازرگانان بود. تجارت ایران با آلمان، با وجود کمبود وسایل حمل و نقل، روز به روز ترقی و رشد داشت (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص ۹-۱۰). تجار خراسانی، با آلمان نیز روابط تجاری داشتند. طبق اسناد موجود، تجار خراسانی میشن (پوست میش دباغ شده)، تیماج (پوست بز دباغ شده)، و روده به آلمان ارسال می‌کردند. در سال ۱۳۱۸ نیز شرکت سهامی خراسان، از طریق بندر بوشهر، حدود ۱۲۰ عدل میشن و تیماج به هامبورگ ارسال کرد. کرک قالی، از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶، یکی از اقلام مهم صادراتی به آلمان بود (کمام، ۱/۱۷۰/۲۵/۱۱/۳۲۳). در پی رونق بازار کرک در آلمان، عده‌ای از تجار برای به دست آوردن سود بیشتر، کالای مزبور را پاک نکرده، صادر و این کار سبب بدنامی کالا شد. در جلسه ۸ خرداد ۱۳۱۶ اتاق تجارت مشهد، نامه اداره کل تجارت راجع به صادرات کرک خوانده شد و مراتب به تجار ابلاغ شد که در آینده از صدور کرک پاک نشده پرهیز

۱. بخش عمده صادرات صنعتی ایران در این دوره کماکان به فرش اختصاص داشت که هنوز خانگی و روستایی بود. (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹).



نمایند (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۲). روابط تجاری میان ایران و آلمان دو طرفه بود، زیرا بر طبق بخشنامه اداره باربری و خشکی و دریایی تجار باید برای جلوگیری از ایجاد مشکل برای کالاهای خریداری شده از آلمان، سفارش نامه‌هایی را از مقامات مسئول تهیه می‌کردند و وزارت کشور نیز در بیستم هر ماه نوع و وزن و بها را اعلام می‌کرد تا توسط کشتی‌های ایتالیایی به ایران حمل گردد (ساکما، ۴۲۹۳-۲۹۳).

بجز آلمان، کشورهایی مانند «ژاپن نیز طرف توجه تجار خراسانی بود و شرایط و امکانات تجاری آن در اتاق تجارت بررسی شد» (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۴). خراسانی‌ها با ارسال روده (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۸) و قالی (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۵۲۴) به آمریکا و صدور قالی به انگلستان با این کشورها نیز روابط تجاری داشتند (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸).

فیروزه نیشابور (ساکما، ۴۹۶۳-۲۴۰)، پشم سفید تربت حیدریه و مشهد (کمام، ۸/۱۷۹/۱۳۳/۱۲۹)، تخم نوغان (کمام، ۷/۹۰/۱۲/۱۰۲)، و پوست بره (کمام، ۶/۳۶/۱۸۳/۲۰۱) از دیگر محصولات خراسان بود که به کشورهای مختلف صادر می‌شد. تجار خراسانی، در سال ۱۳۱۹ قالی و قالیچه‌های پشمی به کشورهای خارجی فرستادند که حدود ۲۲/۴۷۰ کیلوگرم از بیرجند، ۳۰ کیلوگرم از کاشمر، و ۲۵/۶۵۵ کیلوگرم از مشهد بود (حصانیه تجاری ۱۳۱۹، صص ۷۰-۷۱).

عوامل تأثیرگذار بر تجارت خارجی خراسان

تجار خراسانی در صادرات و واردات کالاها همواره با موانع و مشکلات متعددی مواجه بودند که ناشی از نابسامانی‌ها و کاستی‌های امور مختلف در داخل ایران بود. علل تأثیرگذار در تجارت خارجی خراسان، با تکیه بر اسناد بررسی شده در این پژوهش به شرح زیر است:

۱. **فقدان راه‌های ارتباطی مناسب:** توسعه اقتصادی دولت با بهبود ارتباطات آغاز شد و کشوری که در سال ۱۳۰۴ تنها ۳۲۰۰ کیلومتر بزرگراه داشت، در ۱۳۲۰، دارای بیش از ۲۰/۰۰۰ کیلومتر بزرگراه در وضع خوب بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴)، اما تجار خراسانی در صادرات و واردات کالا با مشکلاتی مانند فقدان وسایل حمل و نقل سریع‌السير و جاده‌های نامناسب روبه‌رو بودند. این امر، مانع رسیدن به موقع محصولات تجار به مرز می‌شد. چنانکه دولت ایران در مقابل اعتراض تجار شیروانی به باز بودن راه روسیه - باجیگران به مدت پنج روز و درخواست آنها مبنی بر آزاد بودن این مسیر، محدودیت‌های گمرکی خود را تغییر داد (کمام، ۵/۱۲۳/۱۸/۱۳۸۷).

۲. **بازتاب منفی برخی مصوبات اقتصادی مجلس:** یکی از قوانین دولت برای حفظ مصالح و



منافع کشور، ممنوعیت صدور و حمل پشم سفید به خارج از کشور بود. این مصوبه در ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ با اعتراض تجار مشهدی مواجه شد و آنها خواستار لغو آن گردیدند. آنها معتقد بودند که منع صدور پشم سفید به خارج به منافع کشور ضرر می‌رساند و مصرف داخلی آن در ارزانی قالی و فرش تأثیری ندارد. از این رو، جهت حفظ ثروت عمومی باید به خارج صادر گردد (کمام، ۱۲۹/۳/۱۳۱۷۹/۸). تجار تربت نیز به دنبال اعتراض به این قانون، اعلام کردند که پشم بهاره مصرف داخلی ندارد و نیمی از پشم پائیزی برای مصارف داخلی کافی است و باقی باید صادر شود. در پی این شکایات، وزارت اقتصاد ملی، در تیرماه ۱۳۱۰ صدور پشم را آزاد اعلام کرد (کمام، ۱۲۸/۳/۱۳۱۷۹/۸).

۳. گمرک‌های مرزی ایران و اخذ مالیات‌های غیرقانونی: مأموران گمرکی با اقدامات خودسرانه خود در گرفتن عوارض راهداری زیاد، توقیف کالا در گمرک، مشکلات را فزونی بخشیده و گاه با فاسد شدن و از بین رفتن محصولات در گمرک، ضررهای زیادی را به تجار وارد می‌کردند. برای نمونه، گمرک مرزی خراسان برای قالی‌های ترکمانی از هر یک من، ۲۶ ریال مطالبه می‌کرد که پرداخت آن برای تجار مشکل بود (کمام، ۱۶۸/۱۲/۱۳۱۷۹/۹). یا از هر جعبه تخم نوغان به جای یک قران، دو قران طلب می‌کرد (کمام، ۱۰۲/۱۲/۱۳۱۷۹/۷). مجله هفتگی عصر حدید نیز از شکایت تجار پوست مشهد از مأموران گمرک خبر می‌دهد که علاوه بر صدی چهار، از هر جلد، دو ریال به دلیل نامعلوم می‌گیرند (مجله هفتگی عصر حدید، شماره ۵۰، تیرماه ۱۳۰۷، ص ۱۷). همچنین، در سال ۱۳۰۶، عده‌ای از تجار پوست بره از گرفتن مالیات اضافی گمرک خراسان به مجلس شکایت کردند و اعلام کردند که این مالیات اضافی سبب زیان و ضرر کسب و کار آنها شده است. رئیس مجلس، طی نامه‌ای به تجار پوست بره، به کلیه دفاتر گمرکی دستور داد که سندی در هنگام خروج پوست بره از کشور و قبل از اجرای تعرفه جدید گمرکی از تجار اخذ نشود (کمام، ۲۰۱/۳۶/۱۳۱۷۹/۶). در سال ۱۳۱۳، به موجب قانون جدیدی مقرر شد از محصولات کشاورزی و دامی، هنگام ورود به شهرها یا صدور از کشور، سه درصد قیمت جنسی مالیات گرفته شود و از هر جنس تنها یک بار مالیات اخذ شود (لمبتون، ۱۳۶۳، صص ۳۳۸ و ۳۴۰).

افزون بر مشکلات داخلی، گاهی، مجموعه‌ای از عناصر خارجی روند تجارت خارجی و عملکرد تجار را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌داد. این مسئله، به شکایت تجار، مداخله وزارت اقتصاد، و زرات امور خارجه^۱، و مکاتبه میان دو کشور منجر شد. در زیر به این عوامل که در تجارت خارجی خراسان مؤثر بودند و به طور غیرمستقیم مناسبات خارجی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند اشاره می‌شود:

مناسبات سیاسی: گاهی اوقات روابط خارجی ایران با همسایگان، بر تجارت خارجی تأثیر مستقیم داشت و تجار را متحمل ضرر و زیان می‌ساخت. به سخن دیگر، حوادث

۱. وزارت خارجه به دلیل اینکه یک طرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه می‌باشد، وظیفه رسیدگی به امور تبعه ایران و اتباع خارجه را دارد (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

سیاسی، وضعیت داخلی دولت‌ها، جنگ، و انقلاب‌های داخلی بر ماهیت روابط کشورها با یکدیگر تأثیر می‌گذاشت. با وقوع انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه، روابط دیپلماتیک ایران با این کشور برای مدتی کم‌رنگ و به تبع آن روابط تجاری نیز محدود شد (فوران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷). بسیاری از تجار و تجارخانه‌های خراسان، که از طریق داد و ستد با روسیه امرار معاش می‌کردند، تحت تأثیر این رخداد دچار آشفتگی و پریشانی شدند. مسدود شدن راه روسیه موجی از شکایات تجار خراسانی را به مجلس شورای ملی روانه کرد. در ۱۷ بهمن ۱۳۰۵، تجار شیروانی خواستار گشوده شدن مسیر تجاری ایران با روسیه شدند. آنان مدعی بودند که قطع روابط، خسارت‌های مالی و اقتصادی زیادی را برای آنان به بار آورد، زیرا فقدان وسایل حمل و نقل مناسب، مانع از ارسال کالاهایشان به مناطق دورتر می‌شود و روسیه تنها راه ارتباطی نزدیک برای صدور محصولات منطقه آنها مانند کشمش و خشکبار می‌باشد (کمام، ۱۳۸۳/۱۸/۲/۱۴۵).

این وضعیت برای تجار دیگر شهرها نیز مشکل‌ساز شد. در اسفند ۱۳۰۵، تجار سبزوار و مشهد نیز خواهان تسهیل شرایط صادرات پنبه به روسیه شدند. بنا بر ادعای آنان، صدور پنبه بدون کسب اجازه، ممنوع و منجر به برهم خوردن روابط تجاری گشته است. آنها معتقد بودند که انعقاد معاهده تجاری میان دو کشور به صورت موقتی یا قطعی، باید زودتر برقرار شود؛ زیرا برای تجار خراسانی ضروری است که شرایط بهبود یابد و وضعیتشان روشن شود. آنها، همچنین، درخواست برقراری حداقل نیمی از صادرات و تجارت قبل را تا زمان انعقاد قرارداد کردند (کمام، ۱۳۸۳/۱۸/۱/۱۰۰).

در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۶، تجار درجز (درگز) نیز از وضعیت موجود شکایت و خواهان تسریع روند انعقاد قرارداد تجارتی ایران با روسیه شدند. آنها قطع روابط با روسیه را سبب فاسد شدن محصولات خود مانند پشم، پنبه، تریاک، پوست، خشخاش، و خشکبار دانستند؛ زیرا روسیه تنها بازار فروش آنها بود و از سوی دیگر این شرایط مانع از تأمین احتیاجات آنان مانند قند، شکر، نفت، و کبریت شده است. آنها معتقد بودند که چنین مبادله‌ای بین ایران و هیچ کشور دیگری برقرار نمی‌شود، زیرا کشورهای دیگر در مقابل محصولات ایران، کالاهای تجملی وارد می‌کنند (کمام، ۱۳۸۳/۱۸/۳/۲۲۵).

در سال ۱۳۰۶، شوروی، یک بار دیگر بازار اصلی برنج، دخیانیات، خشکبار، پنبه، و پشم ایران شد و تجارت دو کشور بار دیگر به سطح قبل از ۱۲۹۳ ش. برگشت. انحصار دولت شوروی بر تجارت کشور خود، بر سرعت گرفتن کنترل انحصاری دولت ایران بر تجارت خارجی‌اش افزود و بازرگانی دو کشور هرچه بیشتر به سوی شیوه پایاپای حرکت کرد (فوران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷).

سیاست‌های دولت‌های خارجی: برخورد کشورهای خارجی با تجار ایرانی و اعمال

سياست‌هاى مختلف از جانب بر امور بازرگانى تأثير مى‌گذاشت. براى نمونه، دولت روسيه در دهه ۱۳۱۰ ايران را در زمينه‌هاى بازرگانى كاملاً تحت فشار گذاشت (فوران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷). اسناد موجود به چند مورد از سياست‌هاى اقتصادى دولت‌هاى خارجى روسيه و هند اشاره دارند:

۱. طبق قرارداد بين ايران و روس در سال ۱۹۲۲، دولت روسيه از ضبط و مصادره اموال رعايائى داخلى و خارجى منع شده بود. اما در برخورد با ايرانيان مقيم روسيه، همانند ساير اتباع دول كامله‌الوداد رفتار ننمود و اموال آنها را بدون هيچ حكم قضائى مصادره كرد. اين ماجرا سبب شكايت تجار مشهدى در ۳۱ فروردين ۱۳۰۶ به مجلس شورائى ملى شد. آنها ضمن تقاضاى رسيدگى به اين مشكل و گنجاندن مسئله جبران خسارات در قرارداد تجارى كه دولت مشغول مذاكره با روسيه بود، خواستار برگشت اموال منقول باقى مانده و پرداخت نقدى خسارت‌هاى بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۲۲ شدند. تجار مشهدى معتقد بودند كه بايد همان رفتارى كه با اتباع روسى مى‌شود با ايرانيان هم بشود و از دولت خواستند كه به آقاى انصارى، وزير امور خارجه، دستورات لازم را در اين زمينه بدهد (كمام، ۶/۳۶/۱۸/۳/۲۵۰).

در ۲۱ مهرماه رياست وزراء به مجلس شورائى ملى اعلام كرد كه تاكنون دولت شوروى درباره جبران خسارات با هيچ دولتى حاضر به مذاكره نشده و در اين زمينه نمى‌توان اقدامى نمود (كمام، ۶/۳۶/۱۸/۳/۲۵۰). اين پاسخ سبب اعتراض مجدد حاج على‌اكبر باقرزاده به مجلس گرديد. وى مدعى شد كه از تجارتخانه وى حدود يكصد هزار تومان چاى، كبريت در زمان انقلاب روسيه و قالى و تخم يونجه بعد از انقلاب و ايجاد تشكيلات سياسى جمهورى قانونى به سرقت رفته است و دولت روسيه با استرداد چهار فقره از قالى‌هاى وى، براى تخم يونجه حدود شصت هزار تومان خسارت نقدى مشخص کرده كه هنوز نپرداخته است. حاج على‌اكبر باقرزاده ضمن اين تلگراف شكايت‌آميز، از استحقاق حقوقش سخن گفت و اينكه اگر حق با اوست چرا باقى مانده خسارت را نمى‌دهند و اگر حق با او نيست چرا چهار قالى را مسترد و در وزارت امور خارجه نوشته‌اند تمام قالى‌ها را مسترد کرده‌اند. او مصادره چند باب مغازه، مهمانخانه، و عمارت مسكونى در عشق‌آباد را نيز گزارش داد و اعلام كرد كه روس‌ها به بهانه اينكه در مشهد ساكن مى‌باشند، عمارت وى را پس نمى‌دهند (كمام، ۶/۳۶/۱۸/۳/۲۵۰).

وزارت امور خارجه، در پى اين نامه، اقدام به پيگيرى كرد. اما سفارت شوروى ادعا كرد كه باقرزاده قالى‌هاى خود در اوضاع آشفته سال ۱۹۲۰ از دست داده و در همان زمان چهار فقره از قالى‌هاى خود را پس گرفته است و طبق قرارداد ۱۹۲۲، اموالى كه تا قبل از اين



زمان مصادره شدند مسترد نمی شوند و باقرزاده را محق شکایت ندانست و قضیه را خاتمه داد(کمام، ۶/۳۶/۱۸۳/۲۵۰).

۲. از دیگر سیاست‌های دولت روسیه که سبب ضرر و زیان تجار خراسانی شد، عدم صدور ویزا بود. در واقع، روس‌ها، که از دادن ویزا کسب سود می‌کردند و با در اختیار گرفتن شرکت حمل و نقل بیوروپرس (حمل و نقل خراسان) در سال ۱۳۰۸، از دادن مجوز به عابران مرزی خودداری کرده و سبب از بین رفتن خشکبار صادراتی ساکنان باجگیران شدند. از سوی دیگر، دولت روسیه با در دست گرفتن انحصار تجارت و تنزل قیمت محصولات، صدمات جبران‌ناپذیری را به ایرانیان وارد کرد. این امر، سبب شکایت ساکنان باجگیران شد و آنان از دولت خواستند تا صدور ویزا به شرکتی بی طرف داده شود. این سیاست دولت روسیه سبب مداخله وزارت امور خارجه و اقتصاد ملی و مذاکره با کنسولگری روسیه گردید که به مرتفع شدن مشکلات تجار باجگیران منتهی شد(کمام، ۷/۹۲/۱۲/۵/۲۲۰).

۳. در سال ۱۳۰۷ تجار مشهد به عملکرد دولت روسیه و ممانعت از خریداری کالاهای آنها اعتراض کردند. این کشور، کالاهای مؤسسات روسی را که ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر از قیمت بازار بود خریداری می‌کرد و در مقابل اجناسی را که در ایران استعمال نداشت می‌فروخت. این سیاست، تجار مشهدی را متحمل ضرر و زیان ساخت(مجله هفتگی عصر حدید، شماره ۵۵، آذر ۱۳۰۷، ص ۲۱). دولت روسیه گاهی اوقات نیز با تغییر سیاست‌های داخلی خود و بستن راه تجاری بدون هیچ دلیلی در امور تجاری خراسان خلل ایجاد می‌کرد(مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۲).

۴. افزون بر مطالب یاد شده، روس‌ها به دلیل رقابت‌های تجاری، در تجارت خراسان با سایر کشورهای اروپایی نیز کارشکنی می‌کردند. در ۱۳۱۷، تجار مشهد از دخالت روس‌ها در تنزل قیمت میشن، تیماج و روده در آلمان شکایت کردند. این تجار مدعی بودند که به دلیل رقابت‌های تجاری روس با آنها و تعلل در نگهداشتن کرک در باطوم، کالایشان از رطوبت دریا و آفتاب شدید فاسد شده است. از سوی دیگر، با تنزل فاحش قیمت مواد خام، آلمانی‌ها به بهانه خراب بودن اجناس، از خریداری کالای آنان خودداری می‌نمایند؛ در حالی که طی سال‌های گذشته آنها صادر کننده کرک به بازارهای اروپایی بوده‌اند و هیچ بازاری به نوع جنس و قیمت محصولات آنان اعتراضی نداشته است. این تجار کرک از وزارت مالیه درخواست پیگیری و احقاق حقوقشان را داشتند(کمام، ۱۱/۲۳۲/۲۵/۱/۱۷۰).

۵. از دیگر سیاست‌های دولت روسیه که در صادرات ایران وقفه ایجاد کرد سیاست صنعتی کردن کشور بود. این سیاست صنعتی شدن و مازاد جدید بازرگانی شوروی به بحران اقتصادی کشور از جمله شهرهای شمالی منجر گردید(فوران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷).



۶. هندوستان یکی دیگر از کشورهای بود که تجار خراسانی مبادلات دو طرفه‌ای با آن داشتند. این کشور فقط از کالاهایی که از طریق راه‌های دریایی وارد می‌شد عوارض گمرکی دریافت می‌کرد. تا اینکه در سال ۱۳۱۷ با تأسیس گمرک‌خانه‌هایی در مرز، برای کالاهایی که از طریق مرزهای زمینی وارد آنجا می‌شد حقوق گمرکی مشخص کرد. اما عوارض تعیین شده برای تجارت ابریشم دستبافت مشکل‌ساز گردید، زیرا آنها پارچه‌های ابریشمی را در ردیف کالاهای درجه سوم قرار داده بودند و صادرکنندگان آن فقط می‌توانستند از صدی صد ارزش حاصل از فروش آن استفاده نمایند و در مقابل کالاهای مجاز وارد نمایند. این اقدام دولت هند سبب اعتراض تجار مشهد به زیاد بودن حقوق گمرکی برای منسوجات در ۲۶ خرداد ۱۳۱۷ به مجلس شورای ملی شد. آنها مدعی بودند که این عوارض مانع صدور این محصول به هند و بیکار شدن تعداد زیادی از مردم مشهد و شاغل در این صنف شده است (کمام، ۱۱/۲۳۱/۲۵/۱/۱۲۴).

۴. اقدامات خودسرانه مأموران و گمرک‌خانه‌های مرزی: افزون بر سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌های خارجی، گاهی سلوک کارگزاران کشورهای خارجی برای تجار خراسانی مشکل‌ساز می‌شد. در سال ۱۳۰۹ عده‌ای تجار مشهدی از عملکرد مأموران مرزی شوروی به مجلس شورای ملی شکایت کردند. ماجرا از این قرار بود که برخی تجار مشهد، قوچان، و محمدآباد از طریق رشت و انزلی (پهلوی) و با کمک ساکنان لطف‌آباد، کالاهایی (برنج و توتون) را به آرتق (نام ایستگاهی در حدود ایران و روس) ارسال می‌کردند. از آن طرف عده‌ای از تجار در آرتق این محموله را دریافت و صادر می‌کردند و از این مسیر گذران زندگی می‌کردند. اما خودداری مأموران سرحدی روسیه از دادن کالاهایی که از پهلوی وارد شده بود و دستگیری نصرالله زاهد میلانی، خدادادی، و سیدآقا حسینی در ۱۱ اسفند، سبب اعتراض تجار خراسان شد. آنها اعلام کردند که این سه نفر با اجازه کمیسر سرحدات و تذکره (پاسپورت) برای تحویل اموال ترانزیت به آرتق رفته‌اند و مأموران شوروی بدون دلیل آنان را توقیف کرده است. با بی‌نتیجه ماندن اقدامات کمیسر سرحدات، بلا تکلیف ماندن ۲۲ واگن از اموال تجار ایرانی که کاپوتاج (مجوز خروج) آن نیز موجود بود و موعد مجوز خروج‌شان رو به پایان بود؛ وزارت امور خارجه وارد عمل گردید. این وزارتخانه با سفارت شوروی وارد مکاتبه شد و در پی این مذاکرات، اموال تجار خراسانی از آرتق به مشهد بازگردانده شد (کمام، ۱۱/۲۳۱/۲۵/۱/۱۲۴).

گزارش‌های روزنامه‌های مختلف مانند مجله عصر حدید نیز گویای کارشکنی مأموران سرحدی شوروی است. این مجله، در تیر ۱۳۰۷ گزارشی از دخالت کارگزاران شوروی در امر تجارت تجار ایرانی می‌دهد. این مجله می‌نویسد: «عده‌ای از تجار چای سبز با اجازه‌نامه

حمل چای به روسیه حدود پنجاه هزار تومان چای به ترکستان، تاشکند، و عشق آباد برده‌اند، اما مأموران شوروی از آنها خواسته‌اند تا چای را به همان قیمتی که آنها می‌خواهند بفروشند. درحالی‌که قیمتی که مدنظر آنهاست با هزینه حمل چای از مشهد برابر و سبب ضرر و ورشکستگی تجار می‌شود. این ماجرا سبب شکایت تجار به اتاق تجارت گردیده است» (مجله هفتگی عصر حدید، شماره ۵۰، تیرماه ۱۳۰۷، صص ۱۷-۱۸). گاهی اوقات نیز عملکرد گمرک‌خانه‌های مرزی، سبب از بین رفتن کالاهای تجار می‌شد. چنان‌که کارکنان گمرک عشق‌آباد با بسته‌بندی و باربندی نامناسب کالاها، باعث از دست رفتن و خسارات متعددی به تجار شدند (تربای فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰).

۵. عملکرد تجارتخانه‌ها و تجار خارجی: سیاست‌گذاری‌های دولت‌های خارجی و اقدامات کارگزارانشان، به تجار خارجی دول متبوع جرئت و جسارت خودسری‌های بیجا را می‌داد. ادارات تجاری روسیه با به دست گرفتن امور تجاری روسیه و ایران، در کسب و کار تجار ایرانی مداخله و تجارتخانه‌های ایرانی مقیم روسیه را تعطیل و تجار را از روسیه تبعید کردند. این عملکرد، سبب نقصان امور تجاری ایران و شکایت تجار قوچانی به مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۹ شد. آنها اعلام کردند که تاکنون به دلیل رعایت نزاکت و همسایگی با روسیه در مقابل فعالیت تجارتخانه‌های روسی، به‌ویژه تجارتخانه شرق مشهد که به‌تازگی دایر شده است سکوت کرده‌اند؛ درحالی‌که عملکرد ادارات روسی سبب بحران اقتصادی خراسان گشته است. تجار قوچانی خواستار انعقاد معاهده عادلانه‌ای بین ایران و روسیه شدند و اعلام کردند تا زمان اجرایی شدن آن از مصرف قند و شکر و سایر اجناس روسی خودداری می‌نمایند و مجالس سوگواری خود را با شیر، عسل، کشمش، و خرما برگزار می‌کنند (کمام، ۷/۹۶/۱۲/۱/۴۰۷). مجلس شورای ملی این شکایت‌نامه را در تیر ۱۳۰۹ به وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد ملی ارجاع داد. از همین رو، وزارت امور خارجه، طی تلگرافی دستورات لازم را برای تأمین رفاه و آسایش تجار ایرانی اعلام کرد و مشغول مذاکره با مسئولان روسی شد و وزارت اقتصاد ملی نیز اعلام کرد که مشکلات ایران و شوروی را مورد بررسی قرار خواهد داد (کمام، ۷/۹۶/۱۲/۱/۴۰۷).

از دیگر مشکلاتی که تجار روسی برای ایرانیان ایجاد کردند، می‌توان به عملکرد آنها در خرید و فروش کالاها اشاره کرد. تجار روسی، در مقابل فروش کالاهایشان در ایران قران دریافت می‌کردند و حتی طبق گزارش تجار خراسانی حاضر به گرفتن پول کشور خود نیز نبودند. اما در مقابل فروش مواد خام خراسان در مسکو، محصولات خود را می‌دادند و در قبال اجناس خریداری شده توسط ایرانیان قران می‌گرفتند. این عملکرد تجار روسی، سبب تنزل سرمایه‌های تجار خراسانی شد، به‌طوری‌که در شهریور ۱۳۰۵ ضمن شکایت از

روند تجارى روس‌ها، از دولت خواستند تا براى پرداخت ماليات انحصارى به آنها شش ماه فرصت دهد. وزارت ماليه نيز در راستاى کمک به تجار، در ۲۹ آذر ۱۳۰۵، به تدوين نظام‌نامه مخصوص در تأديه ماليات انحصارى پرداخت و به ادارات ماليه ابلاغ کرد (کمام، ۴/۳۴/۱۸/۱۳۶).

کارشکنى در امور تجارى فقط منحصر به روس‌ها نبود، بلکه ايرانيانى که منافع خود را در انحصار تجارت با روسيه مى‌ديدند نيز در داخل ايران و به تحريك روس‌ها براى تجار خراسانى در دسر ايجاد مى‌کردند و گاه حتى به تهديد و توهين اتحاديه تجار خراسان نيز مى‌پرداختند (مختارى اصفهاني، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۸).

۶. رقابت‌هاى تجارى کشورهاى خارجى: از ديگر عناصر مؤثر در روابط تجارى خراسان، رقابت‌هاى تجارى و سياسى کشورهاى خارجى با يکديگر بود. اين رقابت‌هاى تجارى ميان کشورهاى اروپايى گاه به ضرر تجار ايرانى تمام مى‌شد. براى نمونه، در سال ۱۳۱۸، شرکت سهامى خراسان ۱۲۰ عدل ميشن و تيماج با بارنامه‌هاى ۱۱ و ۱۲ توسط کشتى آلمانى اهنفلس از بندر بوشهر به هامبورگ ارسال کرد که کشتى از طرف کشتى‌هاى انگليسى بنا به دلايل نامعلومى توقيف شد (ساکما، ۴۲۹۳-۲۹۳).

۷. بحران اقتصادى ۱۹۲۹: بحران اقتصادى، اقتصاد بسيارى از کشورها را تحت تأثير قرار داد، اما تأثير آن بر اقتصاد کشورهاى جهان سوم و حاشيه‌اى که بيشتر به توليد مواد خام صادراتى مى‌پرداختند، به مراتب بيشتر از کشورهاى صنعتى و پيشرفته بود. اين امر، تجارت خارجى ايران را تحت الشعاع قرار داد و سبب ايجاد موجى از اعتراضات تجار خراسانى شد. در سال ۱۳۰۸ ش. اتاق تجارت مشهد طى تلگرافى به مجلس و هيئت وزرا از شرايط نامساعد تجارى کشور، تنزل فوق‌العاده پول ايران، کسادى مال‌التجاره ايرانى در بازارهاى اروپا، عدم توازن صادرات و واردات، و وفور اشياى تجملى خارجى در کشور انتقاد کرد. اتاق تجارت مشهد در اعتراض به عملکرد مجلس شورى ملي يادآور شد، چنانچه براى تثبيت پول و جلوگيرى از واردات تجملى و ترقى صادرات تصميمى اخذ نشود، تجار تعطيل عمومى اعلام خواهند کرد (ترايبى فارساني، ۱۳۹۲، صص ۳۴۴-۳۴۵). از سوي ديگر روزنامه ايران با چاپ گزارشى درباره ترقى نقود خارجى، عدم فروش مال‌التجاره ايران در بازارهاى خارجى و ورشکستگى عموم، موجى از اعتراضات مردمى را ايجاد کرد. تجار سبزوارى، با ارسال تلگرافى به مجلس شورى ملي تقاضاى اصلاح امور اقتصادى را کردند (کمام، ۷/۹۴/۱۲/۳۴۳) و تجار نيشابور نيز در ۱۲ اسفند ۱۳۰۸ ترقى اسعار (نرخ) خارجى و فزونى واردات بر صادرات موجب فقر و رکود اقتصادى گشته و خواستار رسيدگى شدند (کمام، ۷/۹۴/۱۲/۳۴۲).

نتیجه‌گیری

تجار خراسانی، در دوره پهلوی اول، مناسبات تجاری گسترده‌ای با کشورهای آسیایی، اروپایی، و آمریکا داشتند و صادرات و واردات بسیاری از کالاها توسط آنها صورت می‌گرفت. در این میان، برخی مسائل، روند تجارت خارجی را تغییر می‌داد که به واکنش و اعتراض تاجران منجر می‌گردید. عملکرد گمرک‌های مرزی ایران و گرفتن مالیات غیرقانونی، فقدان راه‌های ارتباطی مناسب و تأثیر منفی برخی مصوبات اقتصادی مجلس از جمله مشکلات داخلی تجار در تجارت خارجی بود. از عوامل خارجی تأثیرگذار نیز می‌توان به مناسبات سیاسی و خارجی ایران با سایر کشورها اشاره کرد که بر روابط و مناسبات تجاری تأثیر مسقیم داشت. برای نمونه، محدود شدن روابط سیاسی ایران و روسیه، به دلیل انقلابات داخلی این کشور، تجارت خارجی را تحت الشعاع خود قرار داد. به دنبال قطع روابط تجاری، زندگی و وضعیت بسیاری از تجار خراسانی را دگرگون شد. سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، عملکرد تجار و تجارخانه‌های کشورهای خارجی، سلوک و رفتار کارگزاران و گمرک‌خانه‌های مرزی از جمله دیگر عناصری هستند که تجارت خارجی و فعالیت تجار خراسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند. مشکلاتی که بازرگانان در برخورد با این عوامل داشتند، به مداخله وزارت امور خارجه، باز شدن باب مذاکره و مکاتبه با سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی، و حتی عقد قراردادهای تجاری منتهی می‌شد. از این رو، تأمین خواسته‌های تجار و رفع مشکلات آنها، بخش عمده‌ای از مکاتبات و مناسبات خارجی ایران با سایر کشورها را شکل می‌داد که تجار زمینه آن را ایجاد کرده بودند.

منبع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): سند شماره ۴۹۶۳ / ۲۴۰ / ۶۵۰۵ / ۲۴۰ / ۴۲۹۳ / ۲۹۳. اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): سند شماره ۶/۳۴/۱۸/۱/۱۰۰. سند شماره ۷/۹۰/۱۲/۱/۱۰۲، ۱۱/۲۳۱/۲۵/۱/۱۲۴، ۸/۱۷۹/۱۳/۳/۱۲۸، ۸/۱۷۹/۱۳/۳/۱۲۹، ۱/۲/۱۴۵، ۳/۱۸/۳/۶/۲۵۰/۳۶/۱۸/۳/۷/۲۲۵/۹۲/۱۲/۵/۶/۲۲۰/۳۶/۱۸/۳/۱۱/۲۰۱/۲۳۲/۲۵/۱/۶/۱۷۰/۳۵/۸، ۶/۶، ۷/۹۴/۱۲/۷/۳۴۲، ۴/۳۴/۱۸/۱/۷/۳۶/۹۴/۱۲/۷/۳۴۳، ۷/۹۶/۱۲/۱/۵/۴۰۷/۱۲۳/۱۸/۱/۳۸۷، ۹/۵۵/۱۲/۱/۶۸، ۸/۱۷۸/۱۳/۲/۷۸.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز. باربر، جولیان (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰*. تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان برنامه و بودجه. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران. _____ (۱۳۹۲). *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران: پیدایش و تحول اتاق ایران از آغاز*



تا انقلاب اسلامى (۱۳۷۵-۱۲۶۳ خورشيدى). تهران: كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورى اسلامى.

مصاحب، غلامحسين (۱۳۴۵). *دائرة المعارف فارسى*. تهران: انتشارات فرانكلين.
جمالزاده، محمدعلى (۱۳۸۴). *گنج شايگان: اوضاع اقتصادى ايران*. تهران: سخن.
سيف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ايران در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.
لسترنيج، گى (۱۳۷۳). *جغرافياى تاريخى سرزمين هاى خلافت شرقى* (محمود عرفان، مترجم). تهران: علمى و فرهنگى.

لمبتون، ا.ك.س (۱۳۶۳). *مالك و زارع در ايران* (منوچهر اميرى، مترجم). تهران: علمى و فرهنگى.
فشاهى، محمدرضا (۱۳۶۰). *تكوين سرمايه دارى در ايران*. تهران: گوتنبرگ.
فلور، ويلم؛ بنانى، امين (۱۳۸۸). *نظام قضايى عصر قاجار و پهلوى* (حسن زنديه، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فوران، جان (۱۳۸۳). *مقاومت شكندده: تاريخ تحولات اجتماعى ايران از صفويه تا سال هاى پس از انقلاب اسلامى* (احمد تدين، مترجم). تهران: مأسسه خدمات فرهنگى رسا.

مختارى اصفهانى، رضا (۱۳۸۰). *اسنادى از انجمن هاى بلدى، تجار و اصناف ۱۳۰۰-۱۳۲۰* (ج ۱). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.

ملكزاده، الهام (۱۳۹۰ پاييز). *بررسى اسنادى سياست هاى اقتصادى دولت در مورد گياهان صنعتى و دارويى قاينات* (۱۳۰۰-۱۳۲۰). *فصلنامه مطالعات فرهنگى اجتماعى خراسان*، ۲۱، ۱۲۱-۱۳۹.

وزارت كشور (۱۳۲۹). *اسامى دهات كشور* (ج ۱). تهران: اداره آمار و ثبت احوال.
همايون كاتوزيان (۱۳۷۷). *اقتصاد سياسى ايران از مشروطيت تا پايان سلسله پهلوى* (محمدرضا نفيسى و كامبيز عزيزى، مترجمان). تهران: نشر مركز.

احصائيه هاى تجارى و مجلات

احصائيه تجارى ۱ فروردين ۱۳۰۴ تا ۲۹ فروردين ۱۳۰۴.

احصائيه تجارى ۱۳۱۹: ۷۰-۷۱.

احصائيه تجارى ۱۳۲۰: ۴۰۵-۴۰۷.

مجله *اتاق تجارت*، سال اول، شماره، چهارم، بهمن ۱۳۰۸: ۱۸.

مجله *هفتگى عصر حديد*، شماره ۵۰، تيرماه ۱۳۰۷: ۱۷.

